

یک تک قطعه رپ فارسی مجوز گرفت



قطعه «سرباز، ناموس، وطن» با صدای «ابراهیم امیدوار» در آخرین روز کاری هفته گذشته با دریافت مجوز نشر از سوی دفتر موسیقی وزارت ارشاد، عنوان نخستین تک‌قطعه (خارج از آلبوم) مجاز رپ (گفتاواز) را به خود اختصاص داد. سال گذشته نیز انتشار آلبوم «کاهو عابدین» به عنوان نخستین آلبوم مجاز رپ، مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت و پیش از این نیز خبر دریافت مجوز اشعار آلبوم «اردلان هوشمند» بازتاب‌های زیادی را در پی داشت تا سرانجام «پیروز ارجمند» مدیر کل سابق دفتر موسیقی وزارت ارشاد ضمن تأیید روند اعطای مجوز به موسیقی رپ در قالب عنوان «گفتاواز»، عنوان کند:

«فرهنگ غنی نواها در ایران پیشینه‌های چند هزار ساله دارد. ما این نوع خوانش را سالها قبل در فرهنگ کشورمان داشتیم که جامع اروپایی و آمریکایی آن‌را به شکل مدرن شده‌اش، «رپ» نامگذاری کرده اند و این سبک از موسیقی طرفداران خاص خود را دارد. به گزارش ایسکانیوز، این گونه موسیقی در کشور ما به شکلی دگرگون نشده باقی مانده . ما هنوز هم آن نوع موسیقی را به شکل فرهنگ کهن ایرانی در کشور داریم و اگر قرار باشد این نوع خوانش را با درونمایه و بین ما به موسیقی ایرانی یاد کنیم که چیزی آمیخته از گفتار و آواز باشد، باید یک نوع «گفتاواز ملی» تولید کنیم که مختصات موسیقی ایرانی در آن وجود دارد.»

گفتگو با خسرو معصومی به بهانه اکران «تابو» در هنروتجربه:

تبلغ فیلم‌های سینمایی ایران در ماهوارها به جای تلویزیون خجالت آور است!



واقعت این است که آقای نوروزبیگی به من گفت می‌خواهیم فیلم را در هنروتجربه اکران کنیم. من هم قبول کردم. چیز زیادی از اکران فیلم‌ها در هنروتجربه نمی‌دانستم. تصور این بود که در هر سینمایی فیلم‌های این گروه یک سنانس روی پرده می‌رود. درباره تبلیغ هم فکر می‌کردم، گروه هنروتجربه قوی‌تر عمل می‌کند. خیلی از دوستان و مخاطب آثارم خبر ندارند فیلم در هنروتجربه اکران شده‌است.

«هنروتجربه مخاطب خاص خودش را دارد. مخاطبی که برنامه نمایش فیلم‌های این گروه را دنبال می‌کنند و دقیقا می‌دانند که کدام فیلم در چه سینماهایی روی پرده است. جنس مخاطبان هنروتجربه ای با دیگر دوست‌داران سینما کمی متفاوت است. آن‌ها خودشان انتخاب می‌کنند که کدام فیلم را ببینند.

منظورم مخاطباتی است که فیلم‌های من را دنبال می‌کنند. آن‌ها نمی‌دانند این فیلم روی پرده است. مشکل اصلی من در هنروتجربه تبلیغات است. اگر مخاطبان آثار شما پیگیر هنروتجربه باشند، متوجه اکران این فیلم می‌شوند. به هر حال روند تبلیغات هم در این گروه سینمایی متفاوت است. ببینید پیش از این هم گفته‌ام جایگاه هنروتجربه در سینمای ما خالی بود. این گروه خیلی تأییدی کار بسیار قوی و موثر عمل کرده‌است. متأسفانه در کشور ما سینمای اجتماعی از دو طرف چوب می‌خورد. از طرف تماشاجی و مدیران. مدیر نمی‌خواهد سینماگر درباره کاستی‌ها حرف بزند و ترجیح می‌دهد من فیلم‌ساز بی‌و بی‌خاصیت باشم. اما هنروتجربه جایگاهی برای فیلم‌های اجتماعی به وجود آورد. هنروتجربه اگر نبود «ماهی و گریه» در اکران سینما قربانی می‌شد. آقای علم الهدی با مدیریت صحیح و با هوش و درایتش کاری کرد که خیلی از فیلمسازان ما به اکران آثارشان امیدوار شوند.

اگر آقای علم الهدی مسیر هنروتجربه را با همین روند ادامه دهد، هنروتجربه آینده روشنی خواهد داشت.

«گفتید سینمای اجتماعی از دو طرف چوب می‌خورد. یکی از این طرفین تماشاجی است. چرا؟ منظورم چیز دیگری بود. اتفاقاً نگاه کنید که فیلم‌های اجتماعی چون «بید و روز» و «جنایاتی از سبیین» چقدر خوب می‌فرشدند. اما باید تماشاجی برای سینمای ایران تربیت کنیم. خیلی از فیلم‌های بی‌محتوا در سینمای ایران تبلیغات وسیعی دارند که تماشاجی را ترغیب می‌کند آن‌ها را ببینند و در نهایت هم نارضی از سالن سینما برمی‌گردد. هنروتجربه دارد تماشاجی تربیت می‌کند. آقایان انوار و بهشتی هم در دوره مدیریت‌شان این کار را می‌کردند. می‌سازند تماشاجی تربیت می‌کنند. این روند تا زمانی خوب پیش می‌رود که شرایط اکران برای این فیلم‌ها فراهم شود. اما یک زمانی درهای اکران را می‌بندند. دقیقاً این اتفاق برای فیلم «قصه‌ها» رخشان بنی‌اعتماد افتاد.

«خیلی از فیلم‌های اجتماعی تبلیغات مناسبی نداشتند. اما مخاطب‌شان را به نحو دیگری پیدا کردند. اساساً سینمای اجتماعی، مخاطب خاص خودش را دارد و نمی‌توان توقع داشت همه علاقه‌مندان به سینما، این نوع فیلم‌ها را انتخاب کنند. ببینید همین الان «خشم و هیاهو» هومن سیدی که از نظر من تمام مولفه‌های فروش را دارد، به دلیل نداشتن تبلیغ مناسب، آن‌چنان که انتظار می‌رفت، نفروخت. فکر می‌کنم تبلیغ مخاطب را ترغیب می‌کند. هنروتجربه اگر داخل شهر تهران چند بلبورد داشته باشد، فروشش از این رو به آن رو می‌شود. من درباره تبلیغات تلویزیونی حرفی نمی‌زنم، چون خجالت آور است که تلویزیون تبلیغات برای سینما را راه کرده و ماهوار این کار را دنبال می‌کند. با وجود زحماتی که آقای علم الهدی و تیم هنروتجربه می‌کنند، حیف است که تبلیغ مناسب برای فیلم‌هایشان نداشته باشند. البته تهیه کننده من در این باره هزینه نمی‌کند، اما این نباید باعث سوختن فیلم شود.

«این وسواس برای تبلیغ را در مورد فیلم‌های دیگران هم داشته‌اید یا فقط تبلیغات «تابو» برایتان مهم است؟

طی ۳۰ سال گذشته ۱۲ فیلم ساختم. تنها فیلمی که تبلیغات درست داشت «پر پرواز» بود و به خاطر همین هم سینمای نمایش دهنده این فیلم غلغله شد. از یک زمانی به بعد تبلیغات برای فیلم مهم شد. ستار ساری را که از سینما حذف کردند، اگر تبلیغ را هم به کلی نادیده بگیرند چیزی از سینما باقی نمی‌ماند.

«چه کسی ستاره سازی را حذف کرد؟» پخش کننده و تهیه کننده. اولین سوالی که برای پخش فیلم می‌پرسند این است که بازیگر فیلمت چه کسی است. با این وضعیت که دیگر نمی‌شود بازیگر و چهره جدید به سینما معرفی کرد. همین نبود تبلیغ و آرتیست باعث شد که فیلم «جایی در دور دست» در گیشه شکست بخورد. دلیل انتخاب خانم شاکردوست برای فیلم «تابو» هم این بود که بتوانید برای فیلم پخش کننده مناسب بگیرید؟

«واقعاً تنها دلیلش همین بود. من اخیراً گفتم که انتخاب شاکردوست برای فیلم «تابو» یکی از بزرگ‌ترین اشتباهاتم بود. او روح یک دختر روستایی را نداشت. من با توجه به اینکه در «باد در علفزار» توانست از عهده بازی در نقش یک دختر روستایی بر آید، اینجا هم انتخابش کردم و اشتباه کردم.

«چطور شد که روح یک دختر روستایی در «باد در علفزار» می‌پیچد؟» در خانم شاکردوست وجود داشت اما در این فیلم ...

در «باد در علفزار ...» من او را چنان در موقعیتی گذاشتم که بعد از ۱۰ روز لرزه بر تنش افتاده بود و تازه فهمید کجاست. اما اینجا پول دستش بود و اگر چیزی بر وفق مرادش نبود، دل به بازی نمی‌داد.

«یعنی تهیه کننده فیلم خانم شاکردوست بود؟»

«خیر. سرمایه گذار پول را دست ایشان داد. آقای امامی به ایشان گفت من ۸۰۰ میلیون پول به تو می‌دهم که برای ساخت این فیلم هزینه کنی. من هیچ اظهار نظر و دخالتی در سرمایه این فیلم نداشتیم.

«اگر خانم شاکردوست نبود و آقای امامی وسط نمی‌آمد، «تابو» ساخته نمی‌شد؟»

«شما فکر می‌کنید من اینقدر بی‌عرضه هستم؟ من همیشه تهیه کننده خودم را پیدا می‌کنم. «دوران سرب» را در اوج فقر و نداری ساختم. پس می‌توانستم این فیلم را هم بسازم.

«کمی هم به خود فیلم بپردازیم. فیلم‌نامه «تابو» چطور شکل گرفت؟»

«یکی خانمی از من درباره فیلم‌نامه خودش راهنمایی خواست. ایده‌ای در ذهنم حرفه زد که داستان «تابو» بود اما هر چه به این خانم گفتم ایده را نپذیرفت و در نهایت فیلم‌نامه شکل گرفت. از طرفی قبل از نوشتن فیلم‌نامه، برارم که طراح صحنه است به من گفت یک کشتی در منطقه میان کاله به گل نشسته که باید آن را از نزدیک ببینی. من به آن منطقه رفتم و با دیدن کشتی گفتم برای آن باید یک فیلم‌نامه بنویسم. بعد هم که ایده «تابو» شکل گرفت، کشتی را هم وارد داستان کردم. در نهایت تصمیم گرفتم درباره چند همسری فیلم‌نامه‌ای بنویسم. خیلی‌ها می‌گویند این فیلم فیلم‌فلسفی است اما به نظر من جایگاه فیلم را نفهمیدند. چند همسری یکی از بحث‌های مهمی‌است که در مجلس هم درباره آن حرف زدند. در واقع می‌خواستم بگویم عشق خریدنی نیست.

برای چه کاسه داغ تر از آش شده ایم؟!‌



حجت الاسلام محمدعلی زلی، رئیس اسبق سازمان حوزه هنری معتقد است فیلم بد باید اکران شود اگر تولید ایران است، او ادامه داد: فیلم بد فیلمی است که مردم برای تماشای آن به سینما نمی‌روند، دلیلی ندارد که ما اجازه اکران بدهیم یا ندهیم. ما باید فیلم بد را اکران کنیم، اگر تولید ایران است، اگر مجوز داشته و مراحل قانونی اش را طی کرده ما که دیگر نباید کار فراتر از قانون انجام بدهیم.

فیلمی که مجوز قانونی دارد برای تولید و نمایش باید در سینمایی که متعلق به ملت است نمایش داده شود. حجت الاسلام زلی تأکید کرد: اگر فیلمی بد باشد مردم از آن استقبال نمی‌کنند اما اگر

مردم نفهمند یک فیلم مناسب نیست پس از دیدن آن درباره اش قضاوت می‌کنند در نتیجه به دیگران توصیه می‌کنند که آن فیلم خوب نیست بنابراین؛ آمار تماشاگران آن اثر کم می‌شود، ما برای چه کاسه داغ تر از آش شده ایم. به گزارش ایسکانیوز، این مقام اسبق حوزه هنری درباره قدرتی که بعضی از نهادها دارند و می‌تواند مخرب فرهنگ باشد، گفت: قدرت در همه ابعاد، در همه مکان‌ها و در همه شرایط می‌تواند وسیله بسیار خوبی باشد اما اگر درست شناخته نشود و به طور مناسب استفاده نشود می‌تواند تبدیل به ضد خودش گردد.

در همه شرایط می‌تواند وسیله بسیار خوبی باشد اما اگر درست شناخته نشود و به طور مناسب استفاده نشود می‌تواند تبدیل به ضد خودش گردد.

فقط تپیر

- شب داستان نویسان معاصر آلمانی زبان برگزار می‌شود
- خانه هنرمندان مستند «سهراب» را نمایش می‌دهد
- «حسن خوب زندگی» به روزهای پایانی نزدیک شد
- «سریع و خشمگین ۸» در کوبا کلید خورد
- کیبک‌زلی صدپیشه می‌شود
- گرم‌بادشت «روز جان وین» در کالیفرنیا لغو شد
- عاشقانه‌های زاگرس به «محمدرضا شجریان» تقدیم شد
- رسوایی ۲ از فریاد به سینماها می‌آید

با هنرمندان

غلامرضا صنعتگر:

سلامتی ام را مدیون دعای مردم هستم



غلامرضا صنعتگر، خواننده «میشه ضامنم بشی» گفت: از دل‌های مردم و قلب مهربان آنها سپاسگزارم فکر می‌کنم یکی از دلایلی که من الان سرپا هستم دعای خیر مردم است. وی افزود: آلبوم من با عنوان «هنوز هم سرپا» در روزهای پایانی میکس و مستر است و تقریباً ۹۹ درصد کار به پایان رسیده است. یک قطعه دیگر هم جدای از کار آلبوم برای امام حسین(ع) خوانده ام که فکر می‌کنم کار و اتفاق خوبی در موسیقی مذهبی بيفتد هنوز نام قطعی برای آن انتخاب نکرده ایم اما به احتمال زیاد عشق (ع) باشد. صنعتگر ادامه داد: در تلاش هستیم تا یک تور کنسرت در ۲۰ شهر در نقاط مختلف کشور داشته باشیم هنوز برنامه ای برای تور خارج از کشور ندارم. صنعتگر در گفتگو با میزبان خاطر نشان کرد: امیدوارم دعای مردم شامل حال من و بقیه هنرمندان باشد تا بتوانیم بهتر کار کنیم. دست تک تک همه را برای قلب مهربانان می‌بوسم.

رویدادهای هنری

«ستوان اینیمشور» در چارسو خوانش می‌شود

آفتاب یزد: حسن معجونی و گروه «لیو» نمایشنامه «ستوان اینیمشور» را شنبه ۱۸ اردیبهشت در پردیس چارسو می‌خوانند. در نخستین برنامه «شبه‌های چارسو خوانی» فصل بهار که به آثار «هارتین مک دونا» اختصاص دارد نمایشنامه «ستوان اینیمشور» به کارگردانی حسن معجونی و توسط گروه «لیو» خوانده می‌شود. نمایشنامه «ستوان اینیمشور» یکی از متفاوت‌ترین آثار ترجمه شده از «هارتین مک‌دونن» در ایران است که زهرآجوه‌ری آن را ترجمه کرده است.

مرمت خانه دکتر شریعتی به پایان رسید

آفتاب یزد: دکتر عیسی علیزاده، مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران از پایان مرمت خانه دکتر شریعتی خبر داد و گفت: با توجه به حساسیت بنا و لزوم توجه هرچه بیشتر بنا مرمت خانه دکتر در دستور کار سازمان قرار گرفته و در کمترین زمان این بنای تاریخی مرمت و بهسازی شد. خانه موزه دکتر علی شریعتی از تاریخ ۲۷ مرداد ۸۳ در فهرست آثار ملی ثبت شد و این موضوع این بنا را به عنوان یک اثر ملی که باید نسبت به آن حساس بود، معرفی می‌کند به همین دلیل زیباسازی تلاش کرده تا بهسازی آن را به بهترین نحو ممکن انجام دهد.

«عسگری» به یاد «مشکاتیان» می‌خواند

آفتاب یزد- حمیده مهرعلی: کنسرت موسیقی گروه «سعدی» به سرپرستی «کیوان محمدی» و خوانندگی «مجتبی عسگری» به مناسبت زادروز استاد «پرویز مشکاتیان» در سالن ایوان شمس شهر تهران به روی صحنه می‌رود. مجتبی عسگری به همراه امیر اکبری نظری (سناتور)، علیرضا باباخانی (عود)، پریا جراح زاهد (دف) و ... به عنوان نوازنده های گروه «سعدی» در این کنسرت به هنرنمایی خواهند پرداخت و قطعاتی از استاد فقید «پرویز مشکاتیان» را در دو بخش نوا و شور اجرا می‌کنند.

«آشوب هندسی» به گالری ترانه باران رفت

آفتاب یزد- حمیده مهرعلی: نمایشگاه نقاشی‌های جعفر سروی استاد خوشنویسی با عنوان «آشوب هندسی ۴» در گالری ترانه باران افتتاح شد. جعفر سروی هنرمند عرصه نقاشیخط درباره این نمایشگاه گفت: در این نمایشگاه ۱۷ اثر نقاشیخط از چهارمجموعه «آشوب هندسی» به نمایش درآمده. بیشتر این آثار ۱۲۰ در ۱۴۰ سانتی متر هستند و با تکنیک ترکیب مواد و آکرلیک کار شده‌اند. سروی درباره انتخاب رنگ در این آثار نیز گفت: فرم و انتخاب رنگ در این آثار با توجه به ذائقه درونی خودم و گاه به شکل بادهای کارد است. البته تلاش بسیاری نیز در این روند وجود داشته است تا آثار حالتی رمزگونه داشته باشند. در واقع نوعی ناآشناگرایی در این آثار وجود دارد و به راحتی نمی‌توان معنا و مفهوم خاصی را از آنها استنباط کرد به همین دلیل مخاطب به رمزگشایی آثار علاقه‌مند شده و به آنها جذب می‌شود. رنگ و خط در این آثار کمک کرده‌اند تا فضایی خاص ایجاد شود، فضایی که قبلاً وجود نداشته و به شکل بادهای ساخته شده است.

"آیین‌های پرغبار" به رادیو نمایش می‌آید

آفتاب یزد: همزمان با فرارسیدن سالروز شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع) نمایش جدید رادیویی «آیین‌های پرغبار» به کارگردانی اشیا جعفرایی از رادیو نمایش پخش می‌شود. این نمایش رادیویی امروز از رادیو نمایش پخش می‌شود.

تجسمی

نمایشگاهی که قرار بود در یک کارخانه برگزار شود

جای عکس کارگران روی دیوار گالری‌ها نیست

آفتاب یزد - فرین روحانین: همزمان با روز کارگر نمایشگاهی عکسی در محل جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان افتتاح شد. این نمایشگاه قرار بود در یک سوله و یا کارخانه برگزار شود که این امکان مهیا نشد. در این نمایشگاه، نسیم کانیبدی هنرمند عکاس با حضور در جمع‌های کاری، پرتو‌هایی را در قاب دوربین به ثبت رسانده و بخشی از این مجموعه را در نخستین نمایشگاه انفرادی‌اش به نمایش گذاشته است. نسیم کانیبدی، در ارتباط با نام نمایشگاه، گفت: در صورتی که نامی برای این نمایشگاه در نظر می‌گرفتیم، ببینند با پیش زمینه نام نمایشگاه به عکس‌ها نگاه می‌کرد، در واقع می‌توان گفت هر نامی برای این کل نمایشگاه را مصادره می‌کند، به همین دلیل تصمیم گرفتیم، نامی که برای نمایشگاه می‌گذاریم یک آوا یا یک صدا باشد، این بینه است که با چشم انداز خود، برای نمایشگاه عنوان می‌گذارد. نسیم کانیبدی درباره این مجموعه، اظهار کرد: حدود یک سال پیش، کار عکاسی از کارگران را آغاز کردم. این مجموعه، مجموعه‌ای مستند از پرتو کارگران صنف‌های مختلف از جمله کارگران صنعتی، کارواش، ساختمانی و ... است که وضعیت حقوق و بیمه خوبی هم ندارند. او ادامه داد: یک بخش متفاوت از این مجموعه مخصوص کارگران زن در نظر گرفته شده است. در این نمایشگاه حدود ۱۰۰ عکس از این مجموعه انتخاب شده که کاملاً مستند و اجتماعی هستند و پرتو‌های از کارگران در فضای کار را به نمایش می‌گذارند. در کنار پرتو‌های تک چهره، پرتو‌های گروهی هم وجود دارد، چون برخی عکس‌ها در زمان استراحت کارگران از آنها گرفته شده است. این هنرمند، درباره دلیل نمایش این عکس‌ها در ساختمان جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، گفت: ایده اصلی ما این بود که این مجموعه در گالری به نمایش گذاشته نشود، چون به این فکر می‌کردیم که جای عکس کارگر روی دیوار گالری نیست. علاوه بر این، اگر این کارها روی دیوار گالری می‌رفتند شاید به عنوان کالا به آنها نگاه می‌شد، در حالی که این آثار فقط برای نمایش هستند و برای فروش عرضه نشده‌اند. هدف هم این بود که عکس‌ها در مکانی ارائه شوند که مخاطبان بتوانند به خوبی آنها را ببینند و از وضعیت و شرایط کارگران مطلع شوند. کانیبدی ادامه داد: ابتدا می‌خواستیم مکانی را برای نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت

دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت

دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت

دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان رسیدیم و قرار شد نمایش آثار انتخاب کنیم که با موضوع عکس‌ها مرتبط باشد، مثلاً در نظر داشتیم یک کارگاه، سوله یا کارخانه را برای نمایش عکس‌ها انتخاب کنیم، اما به‌دلیل مشکلات زسازی که در این راه وجود داشت، در نهایت به جمعیت



کوتاه از هنر

«از نفس افتاده» گذار به نمایشگاه کتاب رسید

کتاب - نمایشنامه «از نفس افتاده» اثر ژان لوک گدار که براساس طرحی از فرانسوا تروفو نوشته شده، در نمایشگاه کتاب امسال رونمایی می‌شود. به گزارش خبرنگاران، فیلمسازان و منتقدان بسیاری، این کتاب را که علاوه بر فیلمنامه، در برارنده چند گفتگو با گدار و چند نقد و تحلیل است، آغازگر موج نوی سینمای فرانسه می‌دانند؛ موجی که اکثر فیلمسازان وی جمله گدار، از منتقدان و نویسندگان مجله «کایه دو سینما» بوده‌اند و انقلابی در سینمای فرانسه و دنیا برپا کرد.